

متن پرسش

۱- آیا آنچه ما در «مشهورات زمانه» برداشت کرده‌ایم صحیح است؟ مثال مشهورات زمانه، تمامی مصادیق عقاید غیرکامله است و همه ما به همه مشهورات زمانه گرفتاریم و هر کس به اندازه ایمانش از مشهورات زمانه عبور کرده‌است؛ یعنی «عبور» تشکیکی خواهد بود. مثلاً یکی از مشهورات زمانه این است که: «اگر ماشین‌مان را دزدببرد، خیلی ضررمی‌کنیم.» و لذا خیلی ناراحت می‌شویم. در حالی که اگر قلب‌مان از این مشهورات عبور کرده‌باشد و پذیرفته‌باشد که این عالم دست خداست و خدا هم حکیم است، دزدیدن ماشین با هدیه‌گرفتن یک ماشین صدمیلیونی برایش فرقی نمی‌کند، و این، همان مبنای «زهد» است. پس یکی از مشهورات زمانه این است که: این عالم، دست خدا نیست. و خدای حاکم بر این عالم، حکیم و قادر مطلق نیست. و ما هم این مشهورات را قلباً پذیرفته‌ایم، چقدر پذیرفته‌ایم؟ به اندازه‌ای که ایمان‌مان ضعیف است. چه بسا که یکی از مشهورات زمانه این باشد که اصلاً خدایی وجود ندارد؛ به همین دلیل است که در پاسخ به سؤال نکیر و منکر همه مشکل دارند مگر آن کسی که قلباً از این عقاید باطله عبور کرده‌باشد. در این قسمت (فکر قلبی) مشهورات زمانه و عقاید باطله، همان مبادی غلط است. و عقاید حقه و بر خلاف مشهورات باطله، مبادی صحیح برای درست‌اندیشیدن است. پس مشهورات و مبادی در فکر قلبی، یک چیز است. لکن مشهورات، مبادی غلط است. و عکس مشهورات، مبادی صحیح. حتی شاید بتوان گفت: در فکر قلبی، مقدمات و نتایج استدلال هم یک چیز است، اختلاف در شدت و ضعف است؛ مثلاً من با این مقدمه که پذیرفته‌ام خدای قادر حکیم مسلط بر این عالم است، قلباً فکر کرده همین اعتقاد را در خودم تقویت می‌کنم. ۲- آیا این نتیجه درست است؟ پس اولاً فکر قلبی و نتایج این فکر، تشکیکی است. و ثانیاً علاوه بر فکرکردن عادی، برخی افعال (مثل نماز و روزه) هم باعث فکر قلبی می‌شود؛ چرا که این عبادات هم باعث تصحیح عقاید باطله و عبور قلب از مشهورات زمانه می‌شود.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: مشهورات زمانه یک نحوه گرفتار اعتباریات شدن است که مسلّم ریشه در عقاید باطل دارد ولی صورت‌های آن بسیار زیاد است. موفق باشید